دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

لیست سیاه نداریم

عاطفه جعفری و سیدمهدی موسوی‌تبار
گروه فرهنگ

«برای خرید کتاب و انتخاب ناشر، اولویت‌بندی نداریم ولی روی یک‌سری مسائل که صدر آن محتواست، حساس هستیم. خب در این شرایط وقتی یک تولیدکننده به تولید جنس بی کیفیت معروف می‌شود باید با ملاحظه با او مواجه شد. ما اولویت در محتوا داریم و با جدیت پیگیری خواهیم کرد.» صحبت‌هایش نشان از جدیت برای تغییر دارد و به گفته خودش از همان زمانی که حکمش به‌عنوان دبیرکل نهاد کتابخانه‌ها امضا شد، سعی داشته چالش‌های این حوزه را با توجه به مسئولیت قبلی‌اش در نهاد، رصد کند و بشناسد تا بتواند این چالش‌ها را حل کند. مهدی رمضانی، دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته «اندیشه سیاسی در اسلام» است. معاون انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، قائم‌مقام موسسه فرهنگی هنری و انتشارات بین‌المللی الهدی (وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) مدیریت موسسه علیون، عضو شورای کتاب سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، مدیر طرح گردآوری و انتشار آثار نوقلمان، دبیر اجرایی جایزه کتاب بلخ ازجمله سوابق اجرایی او است. با توجه به اینکه یک ماه از حضورش در نهاد کتابخانه‌ها به‌عنوان دبیرکل گذشته است، برای همین از او دعوت کردیم و گفت‌وگویی دوساعته با او داشتیم و در این گفت‌وگو درمورد مسائل حاشیه‌ای که در نهاد کتابخانه‌ها وجود دارد، صحبت کردیم و او خیلی شفاف به همه سوالات پاسخ داد.

عکس: سید وحید حسینی | فرهیختگان

از آخرین و مهم‌ترین رویداد کتابی امسال یعنی نمایشگاه کتاب شروع کنیم. ویژگی مثبت این نمایشگاه این بود که بعد از دوسال آغاز به کار کرد ولی نقدهای بسیاری هم به آن وارد است، اولین نمایشگاه دولت جدید و اولین نمایشگاه بعد از کرونا بود، اما بازهم خیلی از ناشران از مدل برگزاری این دوره از نمایشگاه گله‌مند بودند. افرادی هم که در وزارت فرهنگ و ارشاد دوره‌های قبل مسئولیت داشتند، منتقد این دوره نمایشگاه شدند. ارزیابی شما از نمایشگاه کتاب امسال چه بود؟

نمی‌خواهم نمایشگاه کتاب را بی‌عیب و نقص معرفی کنم، این اوهام است. نمایشگاه امسال اشکالاتی داشت. بعد از یک دوره توقف شوکه‌کننده که هیچ‌کسی آمادگی آن را نداشت که با آن مواجه شود، در یک ابهامات و تعلیقی تصمیم به این گرفته می‌شود که نمایشگاه کتاب برگزار شود. حتما نفس برگزاری نمایشگاه کتاب اتفاق مثبتی است و البته باید درباره اضلاع و ابعاد مختلف آن صحبت کنیم. عده‌ای معتقدند با توجه به فرصتی که در پی تعطیلی نمایشگاه کتاب در دوره سی‌ودوم حاصل شد و به سی و سوم نرسید، ما مدل برگزاری نمایشگاه کتاب را در دوره جدید اصلاح کرده و از این فرصت استفاده کنیم و آن تعریفی که از برگزاری نمایشگاه کتاب در دنیا وجود دارد را به آن بازگردانیم.

یعنی همان دوگانه نمایشگاه و فروشگاه!

بله. این یک نظر در این خصوص بود. عده دیگری می‌گفتند در فرآیندهای اقتصادی و مالی و نکات دیگر نمایشگاه کتاب را تحریم کنیم و کمپینی ایجاد کردند که به نظر من درمجموع توفیقی هم نداشتند. اساسا وقتی بحث اقتصاد مطرح می‌شود، مخالفت اینچنینی خیلی تحت‌تاثیر قرار می‌گیرد، درست یا غلط ما یک موضوع و پدیده‌ای در کشور داریم به نام نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که جزء بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور است، مردم به‌معنای متوسط و میانه جامعه با این موضوع درگیر هستند غیر از طبقه نخبگان و فرهیختگان!

در این نمایشگاه مردم رفت‌وآمد دارند و نسبت به این فرآیند تعلقاتی دارند. چرا نباید از برگزاری چنین رویدادی خوشحال شد یا بدان بالید یا از آن استقبال کرد که در انتها مبادله و موازنه‌ای که در آن اتفاق می‌افتد، موازنه فرهنگی است و پولی که خرج می‌شود در حوزه فرهنگی است.

درباره اصل برگزاری نمایشگاه به‌معنای هزینه‌هایی که صورت می‌گیرد، تا جایی که می‌توانیم باید بهینه هزینه کنیم و بهره‌برداری و استفاده از امکانات را منطقی کنیم. به نظرم، اصل برگزاری نمایشگاه کتاب تهران بعد از کرونا اتفاق خوبی بود. نمی‌خواهم نظر غیرمنطقی بدهم و بگویم، چشمی نگاه کردم و می‌دیدم مردم رضایت دارند، اما در روز آخر نمایشگاه به تعداد قابل‌توجهی از غرفه‌ها و ناشران مراجعه کردم و با مدیران انتشارات و مدیرغرفه صحبت کردم، درمجموع راضی بودند.

با علم به مسئولیت شما نظرشان را می‌گفتند؟

خیر. مسئولیت من به فرآیند برگزاری نمایشگاه کتاب ارتباطی ندارد. در فضای رفاقت صحبت کردیم. من قبل از اینکه دبیرکل نهاد کتابخانه‌ها شوم یک ناشر بودم. ساختار و اقتصاد نشر را واقف هستم و می‌دانم چه زحمتی باید انجام بگیرد تا یک کتاب منتشر شود. انتقاد داشتند مثلا می‌گفتند تبلیغات در نمایشگاه خوب نبود. اطلاع‌رسانی خوب نبود. طرف وارد نمایشگاه می‌شود گم می‌شود. ناشران کودک بخشی انتقاد داشتند اما درمجموع خوب بود و از اصل برگزاری نمایشگاه رضایت داشتند.

نقد وجود دارد. من این را نفی نمی‌کنم. ابتدایی‌ترین کار در ورود به یک دورباطل که ته آن به انحطاط و نابودی می‌کشد این است که شما اشکالات را نفی کنید، یعنی پذیرش اشکالات شروع اصلاح است، این اتفاق خوبی است. اینکه درباره نهاد کتابخانه بگویم هیچ اشکالی وجود ندارد و مثل ساعت کار می‌کند، درست نیست. همین الان می‌توانم چند اشکال از سیستم خودم را بیان کنم. اگر این فهم وجود نداشته باشد مدیریت نیاز نیست، کار انجام می‌شود. یک‌سری آدم‌های خوب دور هم کار می‌کنند و همه‌چیز خوب است. اینکه درباره نمایشگاه نکاتی بیان می‌کنم، نفی اشکالات نمایشگاه نیست. من نکاتی به ذهنم رسید با اینکه مسئولیت مستقیم در نمایشگاه نداشتم ولی چون جزء خانواده ارشاد محسوب می‌شدیم به دوستانی که در سطوح مختلف نمایشگاه مشغول بودند و همه هم دوستان ما هستند، نکات را گفتم، این را هم بگویم که من شاهد تلاش دوستان جهت برگزاری بهتر نمایشگاه بودم. یک چیزهای دیگری هم هست که باید توجه کنیم، برخی از آدم‌ها فراموش می‌کنند که در دوره مدیریتی‌شان چه اتفاقاتی افتاده است؟ چه مدیریتی داشتند و چطور برخورد می‌کردند.

منظورتان برخورد با مخاطب یا ناشر است؟

هردو. برخورد با مخاطب، ناشر، محیط و نوع مواجهه با این مساله و چیزهایی که به چشم مردم می‌آید. من فکر می‌کنم حداقل دو سال تعطیلی را کنار بگذاریم، ۱۷-۱۶ دوره نمایشگاه را به‌صورت حرفه‌ای شرکت کردم. زمان‌هایی در برگزاری نمایشگاه کتاب مسئولیت داشتیم و زمان‌هایی هم ناشر بودیم و شرکت کردم. در دوره دبیرستان و دانشگاه هم که به نمایشگاه می‌رفتم، آن دوره‌ها هم اشکال وجود داشت. در مرحله‌ای که نمایشگاه به شهر آفتاب منتقل شد، اشکال در آن نبود؟ یا اولین سالی که جسارت به خرج دادند و نمایشگاه را در مصلی برگزار کردند اشکال وجود نداشت؟ آن زمانی که نمایشگاه در محل نمایشگاه بین‌المللی برگزار می‌شد اشکال وجود نداشت؟ بالاخره هرسال یک‌سری اشکال، نکات و نقد وجود دارد. در همه این سال‌ها باید نکات مثبت را هم دید و خدمتی که به حوزه کتاب شده است. عرض من این است که فرآیند به سمت مثبت شدن است و نکته بعدی این است که قفلی که بوده شکسته شد یعنی پذیرش این ریسک و ورود به این فضا شکسته شد. دولت راحت می‌توانست از زیربار برگزاری نمایشگاه فرار کند و بگوید کروناست و هزینه‌ای برای دولت نداشت.

البته دولتی که مدرسه‌ها را باز کرده است به‌راحتی نمی‌توانست از زیر برگزاری این نمایشگاه در برود. مدرسه عمومیت بیشتری داشت.

سر این مسائل هم می‌توان بحث کرد ولی الان نمی‌خواهم وارد این پروسه شوم، حرف من این است که می‌شد از زیر بار این در رفت و گفت نمایشگاه مجازی داریم و به حضور کرونا هم کار نداشته و بگوید ناشران آماده حضور در نمایشگاه کتاب نیستند و مقدمات برگزاری نمایشگاه آماده نیست و... . من معتقدم در این موضوع هم شهردار تهران، شورای شهر، شورای تامین و هم دولت تصمیم‌شان این بود که این رویداد فرهنگی در شهر تهران و کشور برگزار شود و ما این را داشته باشیم و مردم این استفاده را کنند. دلیل آوردن و دلیل تراشیدن برای انجام ندادن این کار، اصلا سخت نیست.

درمجموع نمایشگاه امسال راضی‌کننده بود؟

من درمجموع برگزاری سی‌وسومین دوره نمایشگاه کتاب تهران را در فضا و منظومه فرهنگی کشور مثبت می‌دانم. انتقاداتی هم در برخی فرآیندها، رفتن‌ها و بالاوپایین‌ها، عملیات اجرایی، اطلاع‌رسانی و... وجود داشت. ما حادثه جدی در نمایشگاه نداشتیم. اینها نکات مهمی است. اگر یادتان باشد در نمایشگاه کتاب شاید سال ۸۸ در مصلی، بادی آمد و همه‌چیز را کند و پیچاند. از این حیث اتفاق‌ها در نمایشگاه امسال نیفتاد. بخشی هم به پیشرفت مصلی برمی‌گردد و اینکه شرایط فراهم شده و سازه‌ای در فضای باز نبود.

برگردیم به بحث نهاد کتابخانه‌ها، چند کتابخانه درکل کشور داریم؟

ما دوهزار و ۷۳۰ کتابخانه در کشور داریم. این آمار برای اواخر اردیبهشت است. کتابخانه‌هایی هستند که مستقیم زیرنهاد کتابخانه‌ها اداره می‌شوند. ما سه دسته کتابخانه داریم؛ یکی کتابخانه‌های نهادی که مستقیم زیرنظر نهاد اداره می‌شوند، مدیریت و تمشیت آن با نهاد است. دومین دسته، کتابخانه‌های مشارکتی هستند که مجوز از ما می‌گیرند و خدمات کتابخانه‌ای می‌دهند. نظارت بر آنها با ماست. دسته سوم هم یک‌سری کتابخانه‌های خصوصی یا مستقل هستند که اخیرا جدی‌تر شده و بیشتر خدماتی که ارائه می‌دهند، سالن مطالعه است. یعنی فضای سالن مطالعه را تامین کرده و جدی‌تر در بحث درآمدزایی فعالیت می‌کنند؛ یعنی سالن‌های مطالعه عمومی و سالن‌های مطالعه خصوصی در فضای درآمدزایی و کسب درآمد است. درحال حاضر دوهزار و ۷۳۰ کتابخانه نهادی، ۸۵۲ کتابخانه مشارکتی و ۱۳۴ کتابخانه مستقل و خصوصی داریم.

> من به‌عنوان فردی که در نهاد کتابخانه‌ها مسئولیت دارد، تشخیص دادم یکی از حوزه‌های مهم، اثرگذار، اثربخش و تامین‌کننده آینده، حوزه کودک‌ونوجوان است. تا قبل از این همه کتابخانه‌های ما بخش کودک‌ونوجوان نداشت و الان همه کتابخانه‌ها بخش کودک و نوجوان دارد. گام بعدی تامین کتاب کودک‌ونوجوان است. من به جرات می‌گویم بالای ۷۰ درصد خریدها در ۴ سال اخیر در حوزه کودک و نوجوان بوده است

نظارت بر کتابخانه‌های مستقل هم با شماست؟

سازوکاری که ما طراحی کردیم سازوکار نظارت است و اساسا باید مجوز بگیرند و براساس تعرفه و فرآیندی که مشخص می‌کنیم پیش بروند. حساسیت سیستم حاکمیت روی اداره صحیح این مجموعه وجود دارد، اینها یعنی درخواست و نظر به این است که اینها با نظارت فعالیت کرده و البته توسعه پیدا کنند، حمایت شوند. در مقطعی که بحث کرونا و حمایت از کتابخانه‌ها بود به این سمت رفتیم که مورد حمایت باشند ولی چون در آن مقطع خیلی گسترش پیدا نکرده بود و کار نوپایی در نهاد بود، مشمول حمایت‌های مالی دوران کرونا توسط دولت نشدند.

تعداد کتابخانه براساس آماری که شما گفتید درکل کشور حدودا ۳۷۰۰ است که خب تعداد کمی است.

به چه نسبتی؟

به نسبت جمعیت و استان‌ها.

به نسبت سرانه اگر اشتباه نکنم حدود ۱۵ تا ۱۶ هزار کتابخانه دیگر نیاز داریم که به استاندارد برسیم. یک نکته دیگر در بحث کتابخانه‌ها اینکه علاوه‌بر جمعیت دسترسی هم مطرح است. ممکن است کتابخانه ایجاد کنید ولی دسترسی ایجاد نکنید و این نکته دیگری است که باید مدنظر قرار گیرد. یک بحث دیگر که به ما درباره آن نقد می‌شود این است که چقدر مردم استفاده می‌کنند؟ یعنی این ظرفیت شما چند درصد زیر بار عملیاتی است. این هم نکته قابل‌توجهی است که می‌توان بدان پرداخت که چقدر در این ظرفیت فعلی موفق بودیم؛ چه به لحاظ سرانه متراژ و چقدر اینکه مردم استفاده می‌کنند.

ارزیابی‌ای از این موضوع داشته‌اید؟

یک اعداد و ارقامی را می‌توان برآورد کرد و اگر بخواهید می‌توان درباره این صحبت کرد. چه به لحاظ سرانه و چه به لحاظ تعداد کتابی که در کتابخانه‌ها داریم و چقدر مورد استفاده بود.

کمی درباره این صحبت کنیم که ماموریت اصلی نهاد چیست؟ ساختن کتابخانه، خریدن کتاب، نظارت بر کتابخانه‌ها؟ حدود دو سال پیش این را زیاد از نهاد کتابخانه‌ها می‌شنیدیم که به سمت مجهز کردن کتابخانه‌ها می‌رفتند، درحالی‌که برخی کتابخانه‌ها در بحث‌های گرمایشی و سرمایشی مشکل دارند.

ما قانونی در نهاد داریم که قانون متناقضی است. در صدر قانون می‌گوید تاسیس، ساخت، بازسازی، تجهیز، مدیریت، توسعه، نظارت و سایر امور کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور برعهده نهاد است و در جای دیگر ذیل این قانون می‌گوید ساخت با شما نیست. ساخت با شهرداری و راه و شهرسازی است. این خود را در کجا نشان می‌دهد؟ اینکه نهاد هیچ بودجه عمرانی ندارد. ما در بودجه‌ها هیچ بودجه عمرانی نداریم. این توقع از ما وجود ندارد که کتابخانه بسازیم. مسئولیت ساخت پروژه‌هایی که در کشور داریم، با راه و شهرسازی، نوسازی و تجهیز مدارس و وزارت ارشاد است و بهره‌بردار نهاد کتابخانه‌هاست. پس تجهیز و تامین کتاب با ماست. در بحث توسعه کتابخانه‌ها در دوره‌ای که مدیریت مختارپور بود، تعریف جدید از کتابخانه‌ها را بازتعریف کردیم و در ایران روی این مساله کار کردیم. اصل آن در معاونتی که ما بودیم- معاونت توسعه و ترویج کتابخانه‌ها- اتفاق افتاد که نسل جدید کتابخانه‌های عمومی در کشور طراحی شد.

اولین گام این بود که خدماتی که در کتابخانه‌های عمومی ارائه می‌شود از خدمات جاری و روتین به سمت خدمات نوین حرکت کند. همین الان که از کتابخانه اسم می‌بریم، برای خیلی‌ها همان کتابخانه‌های قدیمی تداعی می‌شود. بسیاری از مسئولانی که بنده به سراغ‌شان رفتم، تصورشان از کتابخانه تصور قدیم است. این تصور از کجا نشات می‌گیرد؟ از آنجا که طرف ۳۰ یا ۴۰ سال پیش به کتابخانه رفته و این کتابخانه یک سالن مطالعه و یک مخزن داشته که یا برای کنکور در آن درس می‌خوانند یا اینکه از آن مخزن کوچک امانت می‌گرفتند و تمام!

وقتی برایشان توضیح می‌دهم که در کتابخانه مرکزی ۴۴ خدمت داریم و تعریف از کتابخانه تغییر کرده، نگاه به کتابخانه در دنیا تغییر کرده و آن چیزی که در شما تصور از مجتمع فرهنگی است در کتابخانه اتفاق نمی‌افتد. می‌گویند ما این‌طور فکر نمی‌کردیم و بهتر است قدری بیشتر صحبت کنیم. این نکته را هم باید بگویم که اسماعیلی، وزیر ارشاد در شناخت دیگران نسبت به کتابخانه‌ها خیلی به ما کمک می‌کند. در بازدیدهایی که در استان‌ها دارد حتما از کتابخانه‌ها بازدید می‌کند. به اذعان ایشان که در دولت هم درباره این صحبت کرده‌اند، می‌گوید من هر جایی می‌روم مردم اولین چیزی که از من می‌خواهند کتابخانه است. تصور اینکه در مرکز و چند کلانشهر، کتابخانه داریم این خدمت و تصور در شهرستان‌ها نیست. در شهرستان‌ها تنهای جای فرهنگی کتابخانه است. این شهرستانی که می‌گویم شهر کوچک استان را نمی‌گویم بلکه شهر یزد را می‌گویم. شما در شهر یزد غیر از کتابخانه‌ها هیچ محیط فرهنگی منسجمی ندارید.

فرهنگسرا و سینما و... چطور؟

فرهنگسرا به این معنایی که در تهران داریم، نیست. در برخی از کلانشهرها چند شهرداری محدود داریم که کتابخانه دارند. طبق آمار فکر می‌کنم ۱۰ شهرداری باشد. البته مجتمع‌های فرهنگی ارشاد هم هستند که در تعداد قابل‌توجهی از آنها، کتابخانه وجود دارد. یک زمانی شما به نهاد کتابخانه به‌عنوان متصدی حوزه گسترش کتابخوانی در کشور نگاه می‌کنید که یک بحث است و در جای خود درست. یک زمانی به نهاد کتابخانه‌ها به‌عنوان مرکزی که باید خدمات کتابخانه‌ای را ارائه دهد که یکی از خدمات آن سالن مطالعه است. من موظف هستم این خدمت را نیز به بهترین نحو ممکن ارائه دهم. من روی مطالعه مفید و غیرمفید که می‌گویند مفید یا غیرمفید است حرف دارم. چرا پروسه‌ای تعریف کردیم که خود ما بدان غیرمفید می‌گوییم. یک بچه را در پروسه ۱۲ ساله می‌اندازیم که درس بخواند و بعد کنکور بدهد و آن وقت می‌گوییم که غیرمفید می‌خوانید! این چه دور باطلی است.

بخشی از این کنکور است. بخشی درسی است. به نفی و اثبات این کار ندارم و بحث له و علیه نیست. سال‌هاست به نتیجه‌ای نرسیدیم که سرانه مطالعه

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

با احتساب کتاب‌های درسی چه ایرادی دارد و بدون آن چه ایرادی دارد؟

همین الان با احتساب و بدون آن دقیق نیست. مرکز آمار یک چیزی می‌گوید و نهاد دیگر یک چیز دیگری می‌گوید و بعد این آمار را از کجا می‌آورند؟ من چند قرینه دیگر بیان می‌کنم. یکی از منطق‌های فهمیدن مراجعه دور مالی است. ما دو دور مالی بزرگ در نشر داریم. یکی کودک‌ونوجوان است و دیگری آموزشی است. مگر ناشر راضی می‌شود کتاب چاپ کند و در انبار بگذارد؟ کسی می‌خرد، چه کسی می‌خرد؟ مردم می‌خرند. به خانه خود می‌برند و با این چه می‌کنند؟ مطالعه می‌کنند. چرا این را لحاظ نمی‌کنیم؟ این باید کجا خود را نشان دهد؟

جواب می‌دهند که بخش خاصی از جامعه بار بقیه جامعه را می‌کشند. به فرض این درست است، پس این بار را می‌کشند و در سر ما نزنید که شما نمی‌خوانید و اهل این نیستند. یکی از شلوغ‌ترین جاهای باغ کتاب فروشگاه کودک‌ونوجوان است یعنی یکی از شلوغ‌ترین جاها کتابخانه بخش کودک‌ونوجوان است. آنجایی که مادر و پدر حاضر هستند پول خرج کنند، آنجایی که به پول خرج کردن و وقت گذاشتن است باز هم حاضر هستند این کار را انجام بدهند. اتفاقا گیر ما در سیستم آموزشی است. بچه تا جایی که دست خانواده است بهتر در فضای مطالعه حفظ می‌شود. در مدرسه او را از بین می‌بریم. دخترم وقتی مدرسه نمی‌رفت بیشتر کتاب می‌خواند. الان هم می‌خواند ولی فضایش آن فضا نیست. این فرآیند یک گیری دارد. هیچ کسی حاضر نیست این را ببیند. پژوهشگاه ارشاد یک عددی می‌دهد. یک بزرگی از مدیران فرهنگی سابق کشور گفت من تابلوی اعلانات و آگهی‌ها را جزء مطالعه می‌دانم و او هم عددی برای خود می‌دهد. این چند ثانیه را از کجا می‌آورند.

دقت در این آمار واقعا از کجا درمی‌آید و جای سوال است. نکته‌ای بیان کردید که خود ما نسبت به این نگاه در هنرهای مختلف نقد داریم. فرمودید بخشی از جامعه بار بقیه را به دوش می‌کشد. به فرض که این‌طور باشد چه ایرادی دارد.

نمی‌گویم ایرادی دارد، می‌گویم این مطالعه اتفاق می‌افتد.

این را در موسیقی هم بیان می‌کنیم که بخشی از جامعه موسیقی و کنسرت می‌روند.

اگر این اثبات شد حتما ایراد است، اگر اثبات شد من به‌عنوان نهاد کتابخانه‌ها در بعد وظیفه ترویج کتابخانه حتما باید این را اصلاح کنم. ما روی این حرفی نداریم، دنبال فرافکنی نیستم که بگویم اوضاع خیلی خوب است. بلکه من می‌گویم ابتدا صحنه را واقعی کنیم و بعد ببینیم داشته‌های ما کجاست، نداشته‌ها کجاست، نقاط قوت و ضعف ما کجاست و برای حل مساله سراغ آن برویم و بعد همه با هم اقدام کنیم. نهاد مسئول مستقیم توسعه کتابخوانی در کشور نیست. اداره کلی در ارشاد دارد. من مسئول توسعه کتابخوانی براساس کتابخانه و موقعیت آن هستم. این تعریفی قابل دفاع است. براساس اتفاقاتی که در فضای جدید می‌افتد اجتناب از فضای مجازی امکان‌پذیر نیست، یعنی ما چیزی به نام کتابخانه و کتابخوانی هم در فضای مجازی داریم و از این حیث مسئول توسعه کتابخوانی در همه شئون و عرصه‌ها هستم. من خودم جواب خودم را می‌دهم چون در مورد این موضوع زیاد فکر و بررسی شده است. از سوی دیگر اگر فضای کتابخوانی را در کشور داغ نکنیم مگر مردم در کتابخانه می‌آیند؟ این نیاز است. اولین مساله در بازار ایجاد نیاز است. محل برطرف کردن آن را در فروشگاه و کتابخانه و کتاب الکترونیک و... بگذارید. اینها مجموعه به‌هم پیوسته و در هم تنیده است که نظام مسائل حوزه کتاب و کتابخانه را تشکیل می‌دهد.

حرف من ناظر بر مساله اقتصادی است که اشاره کردید. بدیهی است که وقتی مشکل اقتصادی زیاد می‌شود نهاد کتابخانه باید در کنار مردمی بایستد که پول‌شان نمی‌رسد کتاب بخرند.

درست است.

این جایگاه چطور می‌شود؟ بخشی از جامعه کتاب می‌خرند و بحث درستی است اما نهاد کتابخانه‌ها در وضعیت بد اقتصادی که در سال‌های اخیر داشتیم و بدتر می‌شود کجا قرار است کنار مردمی بایستد که می‌خواهند کتاب بخوانند ولی پول آنها نمی‌رسد؟

من به‌عنوان فردی که در نهاد کتابخانه‌ها مسئولیت دارد، تشخیص دادم یکی از حوزه‌های مهم، اثرگذار، اثربخش و تامین‌کننده آینده، حوزه کودک‌ونوجوان است. تا قبل از این همه کتابخانه‌های ما بخش کودک‌ونوجوان نداشت و الان همه کتابخانه‌ها بخش کودک و نوجوان دارد. گام بعدی تامین کتاب کودک‌ونوجوان است. من به جرات می‌گویم بالای ۷۰ درصد خریدها در ۴ سال اخیر در حوزه کودک و نوجوان بوده است.

بیشتر خریدها در حوزه کودک و نوجوان بود؟

بله. بیشتر کودک‌ونوجوان، بعد رمان و داستان بود و بعد هم روانشناسی و دین بود. رده‌های پرمخاطب که همیشه در کشور داریم.

تنوع ناشران در این خریدها چطور بود؟

همه ناشران بودند.

سفارشی خرید نداشته‌اید؟

حتما نخریدیم ولی این را درنظر داشته باشید نهاد کتابخانه‌ها مسئول حمایت در حوزه نشر نیست. ما یک مشتری بزرگ در حوزه نشر هستیم. ما مردم را در خرید کتاب برای کتابخانه‌ها نمایندگی می‌کنیم. البته ملاحظاتی دارد. ما محدودیت‌ها را درنظر می‌گیریم، شما همه کتاب‌هایی که دوست دارید در خانه خود دارید؟

خیر.

محدودیت شما چیست؟ قطعا فضا و دوم پول و... است. در حوزه فرهنگ مهم‌ترین محدودیت ویترین است. قبل از پول ویترین است. در کتابفروشی می‌روید و می‌گویید چرا همه کتاب‌ها را ندارید؟ می‌گوید جا ندارم. دعوا سر ویترین و میز وسط کتابفروشی است. بعد پول است. ما هم این دو محدودیت جدی را داریم.

نمایندگی کردن مردم مسئولیت بزرگی است.

بله، مسئولیت بزرگی است.

اگر این‌طور باشد کتاب‌هایی که می‌خرید، باید منطبق بر پرفروش‌های هر ۳ ماه باشد.

کتاب‌هایی که می‌خریم باید منطبق با ذائقه و مورد نیاز مردم باشد و البته در راستای ذائقه‌سازی هم باید عمل کرد. یک مثال بزنم، الان پفک نمکی یک محصول مورد تقاضا است؟ آن را برای بچه خود توصیه می‌کنید؟

ولی اگر وقتی بخواهد من نمی‌گویم مطلقا برای او نمی‌خرم. مثلا در حوزه روانشناسی چه کتابی می‌خرید؟

من نمی‌خواهم مثال بزنم. من می‌گویم براساس محدودیت‌ها و این اقتضائات پفک نمکی را توصیه نمی‌کنیم، در خانه مادربزرگ‌ها سخت این چیزها را پیدا می‌کنید. حاضر است پسته و گردو گران قیمت را به بچه بدهد ولی پفک نمکی ارزان‌تر را نداشته باشد. سر این ابایی نداریم. ما مسئولیت حاکمیتی داریم و لزوما آن چیزی که مورد مراجعه است چیز خوبی نیست. کما اینکه در حوزه‌های دیگر هر چیزی مورد اقبال واقع می‌شود منطقا دلیل کیفیت آن نیست. اینجاست که باید در ذائقه‌سازی عمل کرد.

اما ما اوج این مساله را در حوزه موسیقی می‌بینیم.

موسیقی مقوله متفاوتی است و در کنترل ما نیست. این کار غیررسمی است. در کتاب این‌طور نیست. هیچ عرصه‌ای مثل کتابخانه در حوزه فرهنگ نداریم. کجاست که فرد بچه خود را با خیال راحت به کتابخانه بفرستد؟ در ذهن مردم محل امن محسوب می‌شود. با تمام نقاط قوت و ضعفی که دارد. حفظ این امنیت را وظیفه خود می‌دانیم. کتاب رمان عامه‌پسند داریم که مطالعه آن بیشتر و تفریح پرکردن اوقات فراغت محسوب می‌شود. اگر رمان عامه‌پسند کیفیت قرار گرفتن در کتابخانه را داشته باشد باید تهیه کنیم.

من معتقدم ما مسئول اداره فضایی که در اختیار ما قرار گرفته است، به بهترین نحو و براساس رضایت مردم هستیم. نگاه من به نهاد کتابخانه‌ها یک مرکز خدماتی است. ما خدمت فرهنگی به مردم می‌دهیم، ما اداره نیستیم. تغییر فرهنگ در ذهن همکاران من نیز باید انجام شود. من نکته‌ای که در سیستم دارم این است. وقتی خود را در موضع خدمت تعریف کردید از خیلی از مسائل کوتاه می‌آیید و به سمت خیلی از مسائل می‌روید. اگر صرفا نگاه اقتصادی شد که ته ندارد، همه کار می‌کنید که پول دربیاورید.

> من به این معنایی که شما می‌گویید، لیست سیاه ندارم. در حاکمیت تعارف نداریم. اگر نشری در چهارچوب جمهوری اسلامی مجوز گرفته، فعالیت می‌کند و جلو می‌رود. من می‌گویم کتاب فلان ناشر را دلیلی ندارد برای کتابخانه‌ها ترویج کنم، دلیلی ندارد تبلیغ کنم. یعنی شما به‌عنوان یک رسانه انقلابی باید از من این توقع را داشته باشید. فارغ از اینکه بخواهید تیتر بزنید باید از من توقع داشته باشید منویات انقلاب اسلامی را پیگیری کنم

خودتان به اینجا نرسیده‌اید؟

اصلا فرهنگ به اینجا نباید برسد. ما در عرصه فرهنگ در حکومت اسلامی با منطق انقلاب اسلامی و زیر سایه جمهوری اسلامی قرار نیست چنین اتفاقی را رقم بزنیم. من درباره این مسائل تعارف ندارم. اگر در دولت آقای رئیسی مسئول نهاد کتابخانه‌ها شدم، کما اینکه آقا در این موضوع تعارف ندارد که اگر در سیاست و اقتصاد ملاحظه کند در عرصه فرهنگ صریح‌ترین بیان نسبت به مسائل را دارند.

نمی‌خواهم در حرف‌هایم از آقا هزینه کنم ولی خودم را موظف می‌دانم این چهارچوب را در فضای فرهنگی کشور پیگیری کنم. با در نظر گرفتن حال مردم، با در نظر گرفتن نیاز مردم، با در نظر گرفتن تولیدات این فضا! باید تا جایی که می‌شود به این سمت حرکت کنیم.

از صحبت‌های شما می‌توانم این برداشت را داشته باشم که ناشران برای شما اولویت‌بندی دارند؟

ناشرها برای ما اولویت‌بندی ندارد، بلکه محتوا برای ما مهم است. مساله من محتواست، نه ناشر!

یعنی برای انتخاب ناشر اولویت‌بندی ندارید؟

اولویت‌بندی نداریم ولی روی یک‌سری مسائل که صدر آن محتواست، حساس هستیم. در این شرایط وقتی تولیدکننده‌ای معروف به تولید جنس بی‌کیفیت می‌شود باید باملاحظه با او مواجه شود. ما اولویت در محتوا داریم و باجدیت پیگیری خواهیم کرد.

لیست سیاه ندارید؟

من به این معنایی که شما می‌گویید، لیست سیاه ندارم. در حاکمیت تعارف نداریم. اگر نشری در چهارچوب جمهوری اسلامی مجوز گرفته، فعالیت می‌کند و جلو می‌رود. من می‌گویم کتاب فلان ناشر را دلیلی ندارد برای کتابخانه‌ها ترویج کنم، دلیلی ندارد تبلیغ کنم. یعنی شما به‌عنوان یک رسانه انقلابی باید از من این توقع را داشته باشید. فارغ از اینکه بخواهید تیتر بزنید باید از من توقع داشته باشید منویات انقلاب اسلامی را پیگیری کنم.

من هم می‌گویم وقتی یک ناشر تلاش می‌کند و کتاب خوب منتشر می‌کند، باید فرقی بین او و ناشری باشد که تلاشی برای بهتر شدن کتاب‌هایش نمی‌کند.

یادم می‌آید به یکی از انجمن‌های محترم حوزه نشر عرض کردم که باید کیفیت کتاب‌های اعضای خود را نیز مدنظر داشته باشند و باید کتاب‌سازی را درست کرد، باید محتوای خود را درست کرد. یک‌بار یکی از دوستان به دفترم آمد و گفت دغدغه امیرالمومنین(ع) را دارم و این کتاب‌ها را تولید کردم و گفتم این کتاب‌ها با اینکه محتوای آن در قلب و جان ما جای دارد در کتابخانه مخاطبی ندارد. ناشر اگر حرفه‌ای باشد کار مزخرف انجام نمی‌دهد، اگر حرفه‌ای نباشد کار مزخرف انجام می‌دهد. اگر کار ضعیف تولید کرد، نباید از او خرید کرد. چه کسی گفته هر کسی صرفا محتوای ارزشی منتشر کرد باید خرید کنیم؟ چنین چیزی درست نیست.

این نگاه خیلی وجود دارد.

اصلا چنین چیزی نیست و من هم چنین نگاهی ندارم. تعارف که نداریم این پول بیت‌المال است. اولین چیزی که باید فردی که دغدغه کار ارزشی دارد، داشته باشد این است که کار باکیفیت تولید کند. کار باکیفیت تولید کردن این نیست که سه‌هزار عنوان کتاب داشته باشید، ممکن است کسی با دو عنوان کتاب ناشر حرفه‌ای باشد. رفتار او حرفه‌ای است. برای جلد، نامگذاری، صفحه‌بندی، فرآیند تایید محتوا ارزش قائل است. این ناشر حرفه‌ای است.

درکل باید بگویم منظور از حمایت این است که کتاب خوب را خرید می‌کنیم. وظیفه ما در نهاد کتابخانه‌ها حمایت از ناشر نیست. ما به‌عنوان خریدار بزرگ مردم را برای خرید کتاب در کتابخانه‌های عمومی نمایندگی می‌کنیم.

خریدن کتاب همان حمایت است.

درپی خرید کتاب حمایت شکل می‌گیرد. وقتی یک فرآیند فنی و تخصصی برای انتخاب کتاب شکل گرفت، خرید دقیق می‌شود. در این فرآیند اثر مناسب و خوب انتخاب می‌شود.

شما از چه کسی کتاب می‌خرید؟

از ناشر ولی کتاب خوب و مناسب کتابخانه را.

این حمایت است.

این خرید است. مردم خرید می‌کنند حمایت می‌کنند؟ در این خرید، حمایت اتفاق می‌افتد. منظور من این است ما به قصد حمایت و حفظ ناشران خرید نمی‌کنیم، به قصد تامین کتاب مناسب کتابخانه خرید می‌کنیم. در این فرآیند فرصت خرید برای هر کسی فراهم است که دارای این خصوصیت باشد.

با این پیش‌فرض هم باشد باز حمایت است. شما نهاد کتابخانه‌ها هستید. وقتی سراغ ناشر می‌روید، یعنی حمایت مستقیم می‌کنید.

من وقتی سراغ محصول می‌روم از محصول خوب خرید می‌کنم و درپی خرید، حمایت اتفاق می‌افتد ولی وظیفه من حمایت نیست. حمایت کار ارشاد است. وزارت ارشاد موظف است فضای فرهنگی کشور را ترسیم کند که براساس قانون تاسیس و ابلاغ شورای انقلاب فرهنگی و مصوبات آن و ابلاغ رئیس جمهور و ابلاغ رهبری است. باید حمایت کند آثار خوب تولید شود، ناشر خوب تقویت شود، ناشر خوب بالا بیاید و شکل بگیرد. وظیفه او حمایت است و حمایت آنجا تعریف می‌شود.

من نمی‌گویم جزء وظایف شماست ولی اساسا این کار را می‌کنید حتی اگر نخواهید.

کار ما حمایت نیست. وظیفه من حمایت نیست، شما می‌گویید حمایت اتفاق می‌افتد، قبول دارم و در خرید اتفاق می‌افتد و درپی خرید حمایت اتفاق می‌افتد. یک‌بار ناشرها می‌گویند از این کتاب ما بخر و از ما حمایت کنید. می‌گویم وظیفه ما حمایت نیست.

مساله‌ای همیشه وجود داشته است و سال‌ها به آن پرداخته‌ایم که دنباله‌روی بازار بودن خوب است یا نه؟ یا اینکه هر کتابی پرفروش شد، خوب است یا خیر؟ اینها سوالاتی است که در سال‌ها در رسانه‌ها بیان می‌کنیم. ظاهرا حاکمیت و مدیران فرهنگی هم به این نتیجه رسیده‌اند که باید به پرفروش‌ها احترام گذاشت. یک‌زمانی پرفروش‌ها ملاک نبود ولی الان ملاک است.

این اتفاق افتاده است ولی آیا این عمل محقق شده و اتفاق افتاده باید شاخص ما باشد؟ من نمی‌گویم اتفاق نیفتاده است.

وقتی کتابی به چاپ صدم می‌رسد جشن می‌گیرند، این پیغام را به همه صادر می‌کنند که این شاخص است.

اگر فارغ از محتوا باشد، تناقض‌های رفتاری ما در مدیریت است ولی به نظرم همیشه در این موارد جشن برای کتابی گرفته‌شده که از محتوای مناسبی هم برخوردار بوده است.

حالا بگذارید جور دیگری بپرسم، شاخص‌های انتخاب کتاب شما برای خرید از ناشران چیست؟

مسائل حوزه کتابخانه متنوع، متعدد و پیچیده است. یکی از نکات جدی همین است که مورد سوال واقع می‌شویم و من مشابه این بحث را خیلی انجام داده‌ام. اینکه می‌گویم نمایندگی می‌کنیم، خریدار هستیم. ناشران توقع حمایتی دارند که از ما بخرید و از ما حمایت کنید، این را چاپ کردم و نخریدید. من می‌گویم من دو محدودیت ویترین و پول را دارم.

منطق من ذائقه مردم است. ذائقه مردم را از کجا کشف می‌کنم؟ از رده‌های پرامانت کتاب کشف می‌کنم. این با پرفروش‌های بازار یکی است. کودک‌ونوجوان، رمان و داستان، روان‌شناسی و علوم کاربردی همچون خیاطی و ... است. بعد در دین است. این اساس کار من می‌شود. شما می‌گویید آن نمونه پرفروشی را که مردم سراغ آن رفتند شما می‌خرید؟ من می‌گویم برای خرید در آن مرحله معیارهای دیگری هم دارم که بگویم این اثر قابل‌ترویج است یا خیر، قابل‌تبلیغ است یا خیر، شما می‌گویید باید دنبال مردم بروید ولی این مردم را کجا می‌بینید؟ می‌گویم مردم را در کلیت کتابخانه‌های عمومی می‌بینم. این مردم را در جایی می‌بینم که بخشی از خرید خود را اختصاص می‌دهیم و می‌گویم کتابدار در کتابخانه‌های در همه نقاط کشور هستید، بگویید چه چیزی می‌خواهید که آنها هم براساس آنچه مردم می‌گویند اطلاعات می‌دهند و خرید می‌کنم. البته این انتخاب هم در سازوکار موجود است ولی او انتخاب می‌کند.

از بین هزاران جلد کتاب او انتخاب می‌کند که چه چیزی را بگیریم. این مردم را در اینجاها می‌بینیم. حالا ممکن است باز شما بگویید این مردم را در بازار و ذائقه‌ای که در مردم وجود دارد، شکل می‌دهید. من می‌گویم فضای ذائقه‌سازی را رها کردیم و الان دنبال ذائقه‌ای که عده‌ای دنبال آن رفتند به هر دلیلی، می‌رویم. شما می‌گویید چطور وقتی «دا» چاپ می‌شود می‌بالید و نوبت ملت عشق می‌رسد می‌گویید ملاک نیست. بنده می‌گویم چون «دا» محتوای قابل دفاع دارد و براساس داشتن آن محتوا می‌گویم الان توفیق داشته است در مردم مخاطب داشته باشد. من به این هم توجه دارم و نباید در آن آب کنیم. در دا هم نباید آب کنیم و در چیزهای دیگر هم. باید دقیق و صحیح عمل کنیم. می‌گویید نهاد کتابخانه‌ها در خرید چه معیارهایی دارید؟ من از ابتدا درباره معیارهایی که لحاظ می‌کنیم، صحبت کردم.

ما چیزی به‌نام عملکرد داریم. عملکرد هم شفاف است. گفتید لیست را منتشر کنید، نرم‌افزاری به‌نام سامان داریم که همه موجودی کتابخانه‌های عمومی در آن موجود است. جستجو کنید. همین کاری که برخی منتقدان ما انجام می‌دهند و می‌گویند برخی موضوعات این مقدار است. حاصل چه بوده است؟ یک ناشری کتاب فرستاده است به یکی از کتابخانه‌ها و همین باعث شده آمار کتاب در یک رده‌ای بالا برود.

خریدهایی که وزارت ارشاد برای کتاب‌ها انجام می‌دهد به‌سمت کتابخانه‌ها می‌آید؟

اینها دردهای پرغصه است. با آقای یاسر احمدوند، معاون فرهنگی هم در مورد خرید کتاب ارشاد صحبت کردیم و ایشان با ما هم نظر بودند. این بودجه‌ای که در ارشاد برای خرید کتاب‌ها وجود داشت، برای کتابخانه‌ها بود، اگر در فهرست هم نگاه کنید عنوان کتابخانه‌ها را می‌زنند.

ادامه در صفحه ۱۴